

A Critical Review on the Book **"Risk Sharing in Finance: The Islamic Finance Alternative"**

Mohammad Soleimani*

Abstract

The book "*Risk Sharing in Finance: The Islamic Finance Alternative*" (Askari, Iqbal, Krichne and Mirakhor, 2012) seeking to draw the general spirit of the Islamic financial system, explaining its differences with the conventional system (in roots and foundations and also In functions and consequences) as well as drawing its main building blocks in a deep and fundamental approach. In this book, "risk sharing" is introduced as the central concept of the Islamic financial system. Risk sharing system by linking the real sector to the financial sector, prevents the "financialization" and the occurrence of successive crises; On the other hand, due to the emphasis on risk sharing, it will increase financial inclusion and consequently, the welfare of the community. From the authors' point of view, this system has not been realized yet and the financial system in Islamic countries is far from its ideal situation due to the lack of some institutional prerequisites. In the critical review of the book, there is not much criticism of the main idea, but there are some weaknesses in the processing of some concepts and relations, as well as the explanation of some philosophical foundations, consequences and functions, and the implementation of the ideal Islamic system.

Keywords: Islamic Financial System, Risk Sharing, Islamic Paradigm, Financial Crisis, Two-Tiered Banking

* Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University (A.S),
Tehran, Iran, solimani@isu.ac.ir

Date received: 07/02/2022, Date of acceptance: 25/06/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب

«*Risk Sharing in Finance; the Islamic finance Alternative*»

(تسهیم ریسک در فضای مالی؛ راهکار جایگزین مالی اسلامی)

محمد سلیمانی*

چکیده

کتاب «تسهیم ریسک در فضای مالی اسلامی» (عسکری، اقبال، کریچن و میراخور، ۲۰۱۲) با رویکردی بنیادین و با هدف ترسیم روح کلی سیستم مالی اسلامی و تبیین تمایزات آن با سیستم متعارف (هم در حوزه مبانی و هم در حوزه کارکردها و پیامدها) به رشته تحریر درآمده است. مفهوم محوری سیستم مالی اسلامی در این کتاب، «تسهیم ریسک» معرفی شده است که با پیوند دادن بخش واقعی به بخش مالی مانع از «مالی شدن» اقتصاد و وقوع «بحران‌های پیاپی» می‌شود؛ و همچنین به دلیل تاکید بر مشارکت، دسترسی مالی و رفاه عموم افراد جامعه را افزایش خواهد داد. از منظر نویسندگان، این سیستم تاکنون مجال تحقق پیدا نکرده و سیستم مالی در کشورهای اسلامی به دلیل فقدان برخی از پیش نیازهای نهادی، فاصله فراوانی با وضعیت ایده‌آل دارد. در بررسی انتقادی کتاب، ذکر این نکته ضروری است که کتاب توانسته است ایده اصلی خود را به خوبی تبیین نماید اما در پردازش برخی از مطالب و نیز تبیین برخی از بنیان‌ها و مبانی فلسفی، پیامدها و کارکردها و نیز نحوه پیاده سازی سیستم ایده‌آل اسلامی خلاها و ضعف‌هایی وجود دارد.

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد؛ عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران،

ایران، solimani@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: سیستم مالی اسلامی، تسهیم ریسک، پارادایم اسلامی، بحران‌های مالی، بانک‌داری دولایه

۱. مقدمه

کتاب *risk sharing in finance; the Islamic finance alternative* توسط چهار نفر از صاحب نظران مالی اسلامی آقایان عسکری، اقبال، کریچن و میراخور تدوین شده و در سال ۲۰۱۲ توسط انتشارات wiley منتشر گردیده است. نویسندگان در پیشگفتار، یکی از اهداف کتاب را مشارکت در ایجاد و توسعه اجزا یک سیستم مالی کامل اسلامی و ارائه تفصیلی کاربردهای آن به عنوان یک سیستم جامع برای تمامی کشورها ذکر می‌کنند. در این فرآیند تلاش شده تا ویژگی‌ها، عملیات و مزایای یک سیستم تسهیم ریسک جامع در درجه اول برای بازارهای مالی و در درجات بعد برای رفاه و سعادت اجتماعی و اقتصادی بلندمدت ترسیم شود و در این میان با تفصیل به تحلیل مقایسه‌ای، تاریخی، نظری و تجربی در مورد تسهیم ریسک و نحوه مواجهه با ریسک در دو سیستم مالی متعارف و اسلامی پرداخته شده است. اصلی‌ترین سئوالاتی که کتاب به دنبال پاسخ به آن است عبارتند از: مشخصه‌های اصلی سیستم مالی اسلامی کدام است؟ آیا این سیستم در مقایسه با سیستم مالی متعارف از ثبات بیشتری برخوردار است یا خیر؟ آیا سیستم مالی اسلامی می‌تواند اهداف و کارکردهای اصلی واسطه‌گری مالی را برآورده سازد؟ آیا این سیستم امکان انتخاب ابزارهایی جهت ساختن پورتفویهای کارا را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند؟ چه مقدماتی قبل از راه‌اندازی این سیستم به عنوان سیستم مالی یک کشور مسلمان مورد نیاز است؟ و چه موانعی برای تحقق این سیستم ایده‌آل وجود دارد؟.

در ادامه این نوشتار تلاش می‌شود ضمن ترسیم خاستگاه (در بخش دوم) و تبیین ایده اصلی کتاب (در بخش سوم)، وجوه ممیزه کتاب نسبت به مطالعات مشابه (در بخش چهارم) احصا گردد. بخش پنجم به نقد شکلی و ظاهری اثر می‌پردازد و بخش ششم به عنوان اصلی‌ترین بخش مقاله، تلاش دارد تا به نقد و بررسی برخی از اصلی‌ترین تحلیل‌های مطرح شده در کتاب بپردازد. در بخش پایانی جمع‌بندی ارائه می‌شود.

۲. خاستگاه کتاب

شاید بتوان اصلی‌ترین محرک نگارش این کتاب را بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ تلقی نمود. دامنه این بحران جهانی به حدی گسترش یافت که اقتصاددانان و سیاست‌گذاران انتظار آن را نداشتند (Krugman, 2008) و از این رو تحلیل ریشه‌های آن مورد توجه گروه وسیعی از اقتصاددانان از مکاتب مختلف اقتصادی قرار گرفت. در مجموع با گسترش دامنه این بحران به سراسر دنیا، بحث لزوم مدیریت صحیح ریسک و ارتباط بازارهای مالی با بخش واقعی اقتصاد بار دیگر در محافل علمی و مؤسسات مالی پررنگ شد (Gorton, 2010).

در بررسی علل بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ آمریکا نظرات متفاوتی بیان شده است؛ از جمله: مقررات‌زدایی (Deregulation) فراگیر و متهورانه، عدم کفایت و ناکامی در نظارت، عدم کفایت سرمایه، پایین بودن نرخ بهره در یک دوره طولانی، ریسک‌پذیری بیش از حد، ظهور بخش بانکداری موازی (بازار Repo)، نوآوری‌های مالی کنترل نشده و سریع (به ویژه در حوزه مشتقات)، حسابداری بر مبنای بازار، افزایش مخاطرات اخلاقی (کژگزینی) با ظهور موسساتی که «بزرگ‌تر از آن هستند که ورشکست شوند»، ضعف‌های مؤسسات رتبه‌بندی اعتبار (و به طور خاص تضاد منافع در عملکرد آنها)، پذیرش بیش از حد بدهی و استفاده از اهرم، افزایش جابه‌جایی سرمایه در سطح بین‌المللی و در نهایت طمع و حرص بشر. به طور کلی تقلیل منشا و عامل بحران‌های مالی، به کارکردهای ابزارهای جدید مالی ساده لوحی تلقی شد و از این رو تلاش‌های جزءنگرانه برای معرفی ابزارهای مالی که ریسک سیستمیک کمتری به همراه داشته باشند؛ نمی‌تواند مانع ظهور بحران‌های جدید شود (و به نحو مشابه تلاش‌های اقتصاددانان اسلامی برای معرفی ابزارهای منطبق با شرع نمی‌تواند زمینه‌سازی شکل‌گیری سیستم ایده‌آل اسلامی شود)؛ بلکه به قول پروفیسور رویینی ما با «یک بخش مالی غیرصلاحیت‌دار» روبرو هستیم (Stiglitz, 2008) و از این رو این باور در بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی ایجاد شده است که طراحی یک سیستم مالی جدید با مختصات کاملاً متفاوت ضروری است.

برای بررسی ریشه‌های این بحران و ارائه یک راهکار بنیادین، توجه به مسئله سنجش و ارزیابی ناکافی ریسک نیز ضروری است. رقیق شدن ریسک و توزیع مهار گسیخته آن در نظام مالی متعارف، تشدید و تشویق شد و اقتصاد را به سمت منطقه بحرانی سوق داد (استیگلنبر، ۲۰۰۸). از این روست که گروه بزرگی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که

بحران، در ذات نظام مالی متعارف است (برای بررسی بیشتر نظرات در این زمینه رک به: عسکری و همکاران، ۲۰۱۲ و نیز سلیمانی و نعمتی، ۱۳۹۰).

یکی از پیامدهای بحران مالی اخیر، توجه صاحب نظران به بانکداری و مالی اسلامی بود و اقتصاددانان مسلمان فرصت یافتند تا با توجه به تمرکز شکل گرفته بر روی معایب و نقصان‌های نظام مالی متعارف، چارچوب اقتصاد اسلامی را بهتر نمایان سازند (نظر پور، خزائی و رضایی، ۱۳۹۰). قحف (Kahf, 2011) و فهمیم خان (Khan, 2008) از جمله آثاری است که به امکان شکوفایی فرصت‌های اقتصاد اسلامی در فضای بعد از بحران مالی اخیر اشاره داشته‌اند.

در تداوم همین جریان، کتاب «تسهیم ریسک در فضای مالی» با تبیین دلایل وقوع و تکرار بحران‌های مالی-اقتصادی، تلاش دارد تا اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی را شناسایی و تحلیل نمایند. نویسندگان یک چارچوب‌های تحلیلی اسلامی مطرح می‌نمایند که محوریت آن مفهوم تسهیم ریسک می‌باشد. به بیان دیگر در این کتاب، چارچوب یک الگوی مالی اسلامی معرفی شده است که در آن ابزارهای مبتنی بر عقود مشارکتی، نظامی را شکل می‌دهد که اهداف اسلام را محقق ساخته و در عین حال نوسانات چشم‌گیر و آسیب‌رسان نظام متعارف را محدود می‌کند.

البته، از منظری عمیق‌تر می‌توان خواستگاه این کتاب را نقد نظام سرمایه‌داری و ایجاد یک نظام جایگزین از منظر اقتصاد اسلامی دانست، نظامی که تفاوت‌ها و وجوه تمایز آن نه تنها در بخش مالی بلکه در سایر تعاملات و ترتیبات نهادی در بخش واقعی اقتصاد نیز ظهور و بروز می‌یابد. از منظر نویسندگان کتاب، نظام مالی سرمایه‌داری، سیستم سرمایه‌داری را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است. عده بسیاری از صاحب نظران بر این اعتقادند که این مشکلات (به طور خاص در بحران ۲۰۰۸) قابل پیش‌بینی بودند و به دلیل عدم انجام اصلاح بنیادین، هنوز هم وقوع پیامدهای منفی عمیق، قابل پیش‌بینی هستند و نوع عملکرد این سیستم و یا ویژگی‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری موجب شکل‌گیری این بحران‌ها می‌شود (نعمتی و سلیمانی، ۱۳۹۰). نویسندگان کتاب در راستای تأیید این نکته، در جای جای کتاب به بحران‌زایی سیستم متعارف اشاره می‌کنند و به دنبال ارائه یک پاسخ ایجابی، به عنوان یک سیستم جایگزین هستند.

۳. ایده اصلی کتاب: محوریت تسهیم ریسک در نگاه اسلامی

از نظرگاه تاریخی، تسهیم ریسک مدت‌ها قبل از شکل‌گیری بانک‌های مدرن و سایر موسسات مالی، بخش بزرگی از فعالیت‌های بشری را به خود اختصاص داده بود (Brouwer, 2005). آموزه‌های اسلامی نیز موكداً بر تسهیم ریسک به عنوان ساختار سازماندهی (Organizational Structure) مطلوب خود برای همه فعالیت‌های اقتصادی تأیید کرده است و پیچیده‌ترین فعالیت‌های تسهیم ریسک که فراتر از سطوح مطرح شده در تئوری‌های مدرن امروزی است، قرن‌ها پیش توسط اسلام مطرح و تأیید شده است (Exenberger, 2004; Laiou, 2002). برخی محققان نشان دادند که قراردادهای مورد استفاده در اروپای قرون وسطی، مستقیماً از منابع مالی اسلامی اتخاذ شده بود (Udovitch, 2011) و میرآخور (۱۹۸۳).

در حال حاضر، توزیع ریسک در مالیه متعارف (تامین مالی مبتنی بر بدهی) عمدتاً به توزیع ریسک بین یکی از دو سمت سرمایه‌گذاران یا سرمایه‌پذیران مربوط می‌شود و ارتباطی بین این دو دسته از نظر مشارکت در ریسک وجود ندارد (در واقع مالیه متعارف، توزیع ریسک فقط بین خریداران یک ابزار مالی یا فقط بین برخی از ارکان انتشار آن صورت می‌گیرد). به عقیده نویسندگان، تامین مالی مبتنی بر بدهی یکی از عوامل رکودها و رونق‌های شدید و متکثر بخش مالی و به تبع آن کل اقتصاد در کشورهای مختلف است؛ از سوی دیگر چارچوب اصلی تامین مالی اسلامی، مشارکت در سود و زیان پروژه و تسهیم ریسک می‌باشد که علاوه بر ممنوعیت پرداخت و دریافت ربا، در بردارنده عدم ضرر و عدم غرر طرفین و عدم اضرار به اشخاص ثالث نیز می‌باشد.

از نظر نویسندگان تسهیم ریسک یکی از اصول بنیادین سیستم تامین مالی اسلامی می‌باشد، و برای تسریع توسعه تامین مالی اسلامی، نیازمند تأکید بر اصل تسهیم ریسک، حذف تمایل به سمت تامین مالی مبتنی بدهی، کاهش هزینه‌های مبادله مشارکت در بازار سهام، خلق ساختار انگیزشی بازاری جهت حداقل کردن رفتار سفته‌بازانه و توسعه ابزارهای تامین مالی بلندمدت و همچنین بازارهای ثانویه کم هزینه برای مبادله سهام دارایی‌ها هستیم.

۴. نقد شکلی و ظاهری اثر

کتاب از نظر طراحی، جلد صفحه آرایی و فونت تیتراها و متن از کیفیت بالایی برخوردار است. در این کتاب جزئیات دقیق شکلی و ظاهری، همانطور که از سابقه و اعتبار انتشارات wiley انتظار می‌رود؛ رعایت شده است. البته در مورد رعایت قواعد عمومی نگارش و دستور زبان، برخی ضعف‌ها مشاهده می‌شود. در متن کتاب، جملاتی مشاهده می‌شود که در آن‌ها ساختارهای استاندارد گرامی و قواعد نگارشی مرسوم زبان انگلیسی رعایت نشده است. در موارد متعددی نیز جملات طولانی در متن وجود دارد و برخی جملات با حرف‌های عطف و یا قیدهای متعدد به هم ارتباط داده شده‌اند؛ و این طولانی بودن جمله و نیز ساختار پیچیده آن، فهم متن را برای مخاطب با دشواری همراه می‌سازد.

علاوه بر این یکی از عواملی که خوانش کتاب را خصوصاً برای خوانندگان غیر آشنا با ادبیات فقهی-اسلامی با چالش روبرو می‌کند، وجود اصطلاحات متعدد فقهی است. به طور کلی متون اقتصاد اسلامی که به زبان لاتین نوشته می‌شوند عموماً با چالش ترجمه اصطلاحات فقهی اسلامی روبرو هستند. معمولاً اصطلاحات فقهی به صورت «عبارت عربی با حروف لاتین» نوشته می‌شوند و همچنین این اصطلاحات در «فهرست لغات و اصطلاحات (Glossary)» در ابتدا یا انتهای کتاب توضیح داده می‌شوند. در ابتدای این کتاب نیز یک فهرست لغات و اصطلاحات اسلامی وجود دارد؛ اما توضیحات ارائه شده برای خوانندگان ناآشنا کفایت نمی‌کند.

علاوه بر این، نوع نگارش بسیاری از اصطلاحات فقهی در کتاب با نگارش مرسوم، تفاوت دارد و در برخی موارد اشتباهاتی وجود دارد به عنوان مثال بهتر بود اسامی سوره‌های ناس (الناس) و المومنون به صورت al-nas و al-Mu'minin نوشته می‌شد (و نه Alnas و al-Mo'meneen, bai) یا عبارت ضرورت (darurah) به اشتباه dharoora و یا غبن (ghubn) به اشتباه ghaban و یا عبارت هدیه (hadiah) به اشتباه hadia تایپ شده است. املاهای انگلیسی عبارات اجاره، اقتناع، خسارت، وکالت و نیز مشابه کتب اقتصاد اسلامی نیست. عبارت قرض الحسنه نیز در صفحات مختلف به صورت مختلفی نوشته شده است (qard-ul-hassan یا qard-e hasan یا qard hasan). البته اصلاحی (۲۰۱۳) اعتقاد دارد که این نوع اشتباهات در کتاب‌های اقتصاد اسلامی شایع است.

در برخی از موارد در ارائه ترجمه انگلیسی آیات قرآن کریم نیز دقت کافی صورت نگرفته است و به عنوان مثال در ترجمه آیه ۲۷۶ سوره بقره (در صفحه ۶۸ کتاب) واژه "الصدقات"، اشتباها deeds of sharing (رفتار تسهیم) ترجمه شده است در حالی که می‌بایست از عبارت deeds of charity استفاده شود. یا در ترجمه انگلیسی آیه ۲۷۵ سوره بقره در صفحه ۸۳ کتاب عبارت "الذین یا کلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس" معکوس ترجمه شده است (عبارت متن « ... will stand except as one who the Evil است در حالی که ترجمه صحیح به این صورت است: « ... will not stand except as one who whom the Evil ...

۵. وجوه ممیزه کتاب

در موضوع مالی اسلامی تاکنون کتاب‌های متعددی منتشر شده اما کتاب‌های معدودی با رویکرد بنیادین نوشته شده است. همانطور که عیوضلو و کریمی ریزی (۱۳۹۷) اشاره کرده‌اند در بسیاری از پژوهش‌های اقتصاد اسلامی صرفاً به فقهی سازی روابط تأکید شده است و نگرش سیستمی وجود ندارد. علاوه بر این در بسیاری از کتب مالی اسلامی، اوراق بهادار سازی به عنوان روش مدیریت ریسک مطرح شده است. به عنوان نمونه طریق (Tariq, 2004) در کتاب «Managing Financial Risks of Sukuk Structure» بر این امر تأکید کرده است که برای مدیریت ریسک باید بازارهای مالی اسلامی به ابزارهای متنوع تری مجهز شود تا بتواند ریسک را توزیع نماید. به عنوان مثال دیگر نیز احمد و خان (Khan & Ahmed, 2001) در Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry نیز چارچوب سیستم ذخیره جزئی پذیرفته و صرفاً به ارائه راهکارهای حذف و یا کنترل ریسک‌هایی که احتمال وقوع آنها در بانکداری اسلامی وجود دارد می‌پردازند. نویسندگان کتاب تسهیم ریسک تا حدود زیادی منتقد رویکرد فوق هستند و اوراق بهادار سازی دارایی‌ها و توزیع ریسک را خطرناک تلقی می‌کنند و اوراق بهادار سازی با رویکرد شرعی سازی، را صرفاً به عنوان روشی برای به تأخیر انداختن بحران‌های مالی تلقی می‌کنند. هر چند می‌توان برخی از ریسک‌های پیش روی بانک‌ها را از طریق انتقال یا فروش آنها در بازارهای مشخص کاهش داد؛ اما تمرکز صرف بر ابزار سازی نمی‌تواند مقاصد اصلی سیستم اسلامی را محقق کند. با توجه به این نکته، این کتاب می‌تواند زمینه

ساز تقویت ادبیات بنیادین مالی اسلامی باشد و یک رویکرد مغفول به مالی اسلامی را در کانون توجه قرار دهد.

به طور کلی رویکرد کتاب «تسهیم ریسک در تامین مالی» بنیادین‌تر از عمده کتاب‌های نگارش شده در این زمینه می‌باشد و نویسندگان با توجه به بحران اخیر مالی و نیز سابقه بحران‌های مالی نظام اقتصادی غرب، چاره کنترل ادوار رکود و رونق را طراحی یک نظام مالی اسلامی می‌دانند که در چارچوب آن بانک‌ها دو وظیفه ودیعه پذیری و جوه نقد و نیز واسطه‌گری به عنوان صندوق سرمایه‌گذاری مشترک را بر عهده می‌گیرند. در این کتاب (در بخش‌های پایانی) همچنین به نحوه اثرگذاری تسهیم ریسک بر توسعه اقتصادی اشاره می‌شود.

یکی دیگر از وجوه ممیزه کتاب، تحلیل چرایی انحراف کشورهای مسلمان از وضعیت مطلوب اسلامی در حوزه تامین مالی است. برخی نماگرها حاکی از رشد سریع استفاده از مالی اسلامی هستند (اقبال و میراخور، ۲۰۱۱)؛ اما از نظر نویسندگان کتاب بخش عمده این رشد تصنعی و غیرواقعی بوده است. نویسندگان معتقدند در نهادهای اسلامی، عمده تلاش‌ها بر ایجاد و فروش ابزارهای سودآور متمرکز شده است و این نهادها و فعالان حوزه تامین مالی اسلامی، صرفاً بر بازاریابی و فروش محصولات مالی اسلامی متمرکز شده‌اند. شورای فقهی و یا هیات علمای دینی (Board of Shariah Scholars) نیز به دنبال آنند که محصولات مالی که برای بازاریابی مسلمانان خلق می‌کنند را مطابق با شرع (shariah Compliant) تشخیص دهند! در این روند، استفاده از راه‌های میان‌بر موجب عدول از الزامات اساسی اسلامی تسهیم ریسک شده است. علاوه بر این در «مسابقه خلق ابزارهای مالی مطابق با شرع و جمع کردن سودهای مالی»، تلاش اندکی در جهت توسعه یک سیستم جامع تامین مالی اسلامی صورت گرفته است. هیچ کشوری - شاید بتوان تا حدودی مالزی و یا [ایران] را استثنا نمود- تا الان برای راه‌اندازی یک سیستم جامع مالی اسلامی تلاشی نداشته است؛ چه برسد به این که در این راه موفق باشد.

از این رو می‌توان گفت که نویسندگان این کتاب منتقد بخش بزرگی از فرآیندهای صورت گرفته در مالی اسلامی هستند انتقاداتی که در تاکید بر انحراف بانکداری اسلامی از اصول بنیادین و عدم توجه به ارائه یک سیستم بدیل و جایگزین ظهور و بروز می‌یابد.

۶. برخی از دست آوردهای و نتایج تحلیلی کتاب

در این کتاب موضوعات متنوعی در راستای ایجاد تصویر روشن از یک سیستم مالی جامع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؛ در این بخش مهم‌ترین دست آوردها و نتایج حاصل از تحلیل‌های کتاب ارائه می‌شود:

- مختصات کلی ساختار نظام مالی مبتنی بر بانکداری دو بخشی (دولایه‌ای)

از منظر نویسندگان کتاب، نظام مالی مبتنی بر بانکداری دولایه‌ای اساساً یک سیستم بانکداری دو بخشی (Two-Tiered Banking System) است: یک بخش سپرده‌ها را به عنوان ودیعه نقدی مدیریت می‌کند و بخش دیگر تا حدود زیادی مشابه یک بانک سرمایه‌گذاری عمل می‌کند. در بخش سپرده‌ای، می‌بایست یک سیستم بانکداری داشته باشیم که سپرده‌ها را بدون پرداخت هرگونه بازده، به عنوان امانت می‌پذیرد و ذخیره ۱۰۰ درصدی نگه می‌دارد؛ از این رو این بخش از سیستم بانکداری از سیستم پرداخت نظام اقتصادی پشتیبانی می‌کند و در عین حال، توانایی خلق اعتبار سیستم بانکداری را محدود کرده و نیاز به ضمانت سپرده‌ها (مشابه آنچه در سیستم ذخیره تامین مالی متعارف انجام می‌شود) را رفع می‌کند.

در بخش دوم این سیستم، بانک اسلامی به مثابه یک بخش سرمایه‌گذاری و در نقش یک واسطه مالی کلاسیک، عمل کرده و پس‌اندازها را به پروژه‌های سرمایه‌گذاری منتقل می‌کند؛ در این بخش، سپرده‌ها به عنوان سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها (بدون هیچ ضمانتی برای ارزش اسمی آنها در سررسید) تلقی می‌شوند و تسهیم سود و زیان به عنوان مبنای تعیین بازدهی سپرده‌گذار قرار می‌گیرد. در واقع سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذارانی هستند که در مجموعه‌ای از دارایی‌های نگهداری شده در طرف دارایی‌های ترازنامه بانک، سرمایه‌گذاری کرده‌اند (اقبال، مغربی، میرآخور، ۲۰۱۶).

در این سیستم برخلاف آنچه در سیستم ذخیره جزئی صورت می‌گیرد؛ بانک‌ها خلق پول نمی‌کنند و در کنار سایر نهادهای مالی، نقش اصیل خود را به عنوان واسطه بین پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند (البته بدون ایجاد بدهی در ترازنامه‌های خود، بدون استفاده از اهرم و بدون پرداخت نرخ بهره اجباری از پیش تعیین شده). البته نویسندگان همه ابعاد این ایده را بررسی نکرده و آسیب‌شناسی همه جانبه‌ای از این ایده ارائه نکرده‌اند.

- نقش سیستم مالی اسلامی در تضمین ثبات مالی و ممانعت از شکل‌گیری بحران‌های مالی و اقتصادی

یکی از مسائلی که در کتاب با تفصیل مورد اشاره قرار گرفته است اهمیت ثبات مالی و علل ظهور بحران‌های مالی است. از نظر نویسندگان، به دو دلیل سیستم مالی متعارف به وسیله بحران‌های دوره‌ای دچار تزلزل شده و نیازمند طرح‌های نجات گسترده است: (۱) این سیستم مبتنی بر بدهی و بهره است و (۲) این سیستم بدهی فزاینده و اهرم بالایی خلق می‌کند. هر دو عامل فوق ریشه در جدایی بخش مالی از بخش واقعی دارند. ممکن است یکی از این دو بخش رونق داشته باشد در حالی که بخش دیگر دچار رکود است (Palley, 2013)؛ و این امر نشان دهنده‌ی ناتوانی در ایجاد یک سیستم یکپارچه است و البته در آن نوآوری، نوسان سیستم را زیاد می‌کند (میرآخور، ۲۰۰۲). اگر دو بخش حقیقی و مالی به هم گره بخورند، سرعت این نوآوری‌ها کاهش پیدا کرده و نوآوری مالی به فعالیت‌های حقیقی اقتصاد مقید می‌شود. چنین اقتصادی با رشد اقتصادی مهار شده و محدودتر روبرو خواهد بود اما این رشد نوسان کمتری خواهد داشت. این ادعا در کتاب وجود دارد که تحقق تسهیم ریسک موجب می‌شود که به صورت انباشته در طول زمان رشد بیشتری را نسبت به یک سیستم مهار نشده (دارای نوسانات بالا در نرخ رشد) شاهد باشیم.

تعداد زیادی از محققان بیان می‌کنند که سیستم تامین مالی متعارف نقش کلیدی در رشد اقتصادی دارد (Shan, Morris & Sun, 2001؛ Levin, 2005؛ ۲۰۰۱)؛ اما نویسندگان کتاب نسبت به این موضوع انتقاداتی را مطرح کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که رشد یکنواخت (Steady Growth) نسبت به دوره‌های رونق و رکود نوسانی برتری دارد و در سیستم مالی مبتنی بر مشارکت (تسهیم ریسک)، کاهش نااطمینانی و ریسک، محرک رشد اقتصادی خواهد بود. از سوی دیگر منافع اجتماعی یک سیستم مبتنی بر مشارکت ممکن است کاهش در تولید اقتصاد را (در صورت وجود) کم اهمیت‌تر نشان دهد.

- تمایز بین اوراق مبتنی بر دارایی با اوراق در ارتباط با دارایی

در فضای اسلامی، در زمان مشارکت بین دو طرف (شریک صاحب کار و شریک صاحب سرمایه)، هر دو طرف در ریسک نیز مشارکت می‌کنند اما در تامین مالی متعارف، شراکت در ریسک اتفاق نمی‌افتد. به طور خاص در اوراق رهنی مسکن (Mortgage-Backed Securities (MBS) ریسک نکول بین دارندگان اوراق توزیع می‌شود و تسهیم

ریسک اتفاق نمی‌افتد. به همین دلیل نویسندگان کتاب به جای واژه Asset-based Securities (ABS) که اوراق مبتنی بر دارایی ترجمه می‌شود، از Asset-linked Securities (ALS) حمایت می‌کنند به این مفهوم که ما باید اوراق پیوند شده به دارایی داشته باشیم. در این اوراق، به مفهوم واقعی کلمه تسهیم ریسک اتفاق می‌افتد.

- نگرش انتقادی به انفکاک بخش مالی از بخش واقعی

در سیستم مبتنی بر مشارکت و تسهیم ریسک، ارتباط مستقیم بین بخش واقعی و بخش مالی اقتصاد، امکان مواجهه با بحران فراگیر را به حداقل می‌رساند. سیستم مالی متعارف به نحو گسترده‌ای شاهد «مالی شدن» (Financialization) اقتصادها بوده است. مالی شدن اقتصاد در بردارنده (۱) گسترش سریع نهادها و محصولات مالی فراتر از بانکداری سنتی و ابزارهای سنتی؛ و (۲) گسترش چشم‌گیر بخش مالی نسبت به بخش واقعی است. مالی شدن اختلالات بزرگی را در اقتصاد ایجاد کرده و منجر به تغییر در توزیع درآمد به نفع بخش مالی و رکود اقتصادی بلندمدت شده است. از طرف دیگر درون نهادهای مالی نیز ادغام‌های گسترده و یکپارچه‌سازی‌های متعددی صورت گرفته است و به همین دلیل در نهادهای مالی، مرز بین بانک و بازار سرمایه و حتی در بسیاری مواقع تفاوت بین بانک و بیمه (در اینجا منظور از بیمه، هر نوع فعالیت تامین و هر نوع کنترل ریسک است) نیز کم رنگ شده است. این در هم تنیدگی خود می‌تواند عاملی باشد برای پیچیدگی بیش از اندازه‌ی سیستم که در نهایت می‌تواند منجر به تحقق پدیده Too Big To Fail شود.

۷. نقد محتوایی اثر

۱.۷ نظم منطقی

این کتاب از سه بخش و دوازده فصل تشکیل شده است. در بخش یک، نگاهی کوتاه به تاریخچه بحران‌های مالی و روش‌های حداقل کردن آثار آن شده است. بخش دوم تسهیم ریسک را از منظر و رویکردی اسلامی بررسی می‌کند و به تاریخچه مختصری از تامین مالی مبتنی بر تسهیم ریسک، تبیین جایگاه تسهیم ریسک در تامین مالی اسلامی و ارائه شواهدی از آموزه‌های دینی موید تسهیم ریسک می‌پردازد. اجزای سازنده تسهیم ریسک در نظام مالی اسلامی و به طور خاص نقش بازارهای سرمایه چالاک، مسائل قیمت‌گذاری در

بازارهای اسلامی و نقش واسطه‌های مالی و بازارها در ترویج تسهیم ریسک نیز در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم کتاب، نویسندگان مستندات متعددی برای حمایت و پشتیبانی از ایده اصلی خود فراهم کرده‌اند و نشان داده‌اند که تسهیم ریسک در تامین مالی می‌تواند به عنوان دیدگاه منتخب اسلامی و به عنوان جایگزین سیستم متعارف (که در آن غلبه با تامین مالی مبتنی بر بدهی است) صورت پذیرد.

در بخش سوم، با عنوان «به سوی آینده» عناصر ضروری برای راه‌اندازی و توسعه سیستم مالی اسلامی در یک کشور ارزیابی شده است. در این بخش، مشخصه‌ها، کارکردها و مزایای سیستم مالی مبتنی بر تسهیم ریسک برای رفاه و سعادت مادی (اقتصادی و اجتماعی) به نحو برجسته‌ای ارائه شده و نقش نهادها و حکمرانی در تسهیم ریسک و علل مشاهده شکاف‌های جدی بین تئوری و عمل در مالی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. تبیین ارائه شده از علل این شکاف (که مختصراً در بخش‌های قبل مورد اشاره قرار گرفت) علل گرایش سیستم‌های تامین مالی در کشورهای اسلامی را به فقهی‌سازی به خوبی توضیح می‌دهد.

چینش مطالب در کتاب علاوه بر این که هدف کتاب را محقق کرده است؛ نقش بالایی در جذب مخاطب دارد. زیرا ابتدا برای مخاطب تصویر مشخصی از بحران‌ها و اثرات مختلف آن‌ها ایجاد می‌شود و سپس ضمن ارائه یک تبیین از چارچوب کلی تسهیم ریسک و توجیه کارایی و اثربخشی آن، چگونگی تحقق آن را -از منظر تئوریک- مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت وقتی که در ذهن مخاطب این سؤال شکل می‌گیرد که «چرا کشورهای اسلامی در این زمینه موفق نبوده‌اند؟»، پاسخ روشنی به این سؤال مطرح می‌کنند.

۲.۷ میزان توجه به مباحث بنیادین و مبانی اندیشه‌ای

نویسندگان در فصول سوم، چهارم و نهم به مباحث بنیادین مربوط به سیستم تامین مالی اسلامی و به طور خاص تسهیم ریسک اشاره کرده‌اند. در این فصول مبانی به خوبی تشریح شده است و در سایر فصول نقش این مبانی و اصول در تحقق سیستم مالی جامع اسلامی تبیین شده است. البته در ادبیات اسلامی، آموزه‌های متعددی وجود دارد که نشان از اهمیت تسهیم ریسک در سطح احاد افراد در جامعه اسلامی دارد. این آموزه‌ها هم در حوزه

پرداخت‌های واجب اسلامی (مثل خمس و زکات به منظور تسهیم ریسک‌های ناشی از طبیعت بین ثروتمندان و فقرا) وجود دارد (فصل ۴) و هم در حوزه قراردادهای اسلامی که ترسیم‌کننده روابط بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر هستند و رابطه بین بازده و ریسک را تعیین می‌کنند (فصل ۹) مورد توجه قرار گرفته است.

البته در برخی از موارد مباحث ارائه شده نیاز به تبیین و بسط بیشتری دارد:

- تبیین نسبت تسهیم ریسک با عدالت (چه عدالت به عنوان صفت خدای متعال، و چه عدالت در حوزه عدالت اجتماعی و مناسبات بین افراد) در کتاب مورد غفلت واقع شده است. عدالت در بردارنده توزان و قوام جامعه در ابعاد مختلف است و علاوه بر آن به ادای حق همه افراد جامعه در ساحات مختلف اشاره دارد؛ از سوی دیگر تسهیم ریسک، در معنای عام خود منجر به نوعی توازن بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌شود. همچنین در بازارهای مالی نیز با حاکم شدن قواعد تسهیم ریسک، حقوق صاحبان سرمایه (در نقش شریک) و دریافت‌کنندگان وجوه رعایت می‌شود و به هیچ یک از طرفین ظلم و تعدی صورت نمی‌گیرد. نویسندگان در این زمینه صرفاً به برخی از مباحث کلی اشاره داشته‌اند و تحلیل عمیقی ارائه نکرده‌اند.

- تبیین رابطه بین تسهیم ریسک با اخلاق (در معنای تنظیم‌کننده روابط فرد با خود، جامعه و هستی)، دیگرخواهی (شامل مفاهیمی مثل ایثار، احسان و ...) سرمایه اجتماعی (شامل مفاهیمی مثل اعتماد، مشارکت اجتماعی، همکاری مدنی، مدارا و ...) نیز می‌بایست با غنای بیشتری دنبال شود. البته میراخور و ان‌جی و ابراهیم (Mirakhor, Ng & Ibrahim, 2015) در کتاب *Social capital and risk sharing: An Islamic finance paradigm* بسیاری از ابعاد این رابطه را تبیین کرده‌اند.

۳.۷ بررسی انتقادی ایده‌ها و تحلیل‌های ارائه شده در کتاب

با توجه به این که هر چهار مولف کتاب سابقه آکادمیک و پژوهشی خوبی در حوزه مالی اسلامی دارند و در کارهایی که به صورت مشترک و یا منفرد انجام داده‌اند بینش‌های عمیقی در این حوزه ارائه کرده‌اند؛ توانسته‌اند به خوبی یک ایده جدید را مطرح کرده و تقریباً در تمامی مسائل نیازمند استدلال یا شاهد تجربی، توانسته‌اند به خوبی استدلال کرده و یا شواهد کافی ارائه نمایند. تحلیل‌های ارائه شده در کتاب در حوزه ثبات و بحران از

جمله اولین تحلیل‌های متقن علمی ارائه شده در این حوزه است و تسلط نویسندگان به ادبیات مالی موجب شده بتوانند در عین رعایت اجمال تحلیل عمیقی نسبت به بحث "مالی شدن" ارائه نمایند. ایده اصلی آن است که مالی شدن اقتصادها، عامل اصلی بی‌ثباتی ذاتی سیستم مالیه متعارف است و نویسندگان توانسته‌اند ضمن تبیین اثرات منفی مالی شدن، پیشنهادهای نظری و عملی مطرح شده برای مقابله با آثار سو مالی شدن از جمله مقررات‌گذاری (و به طور خاص مقررات‌گذاری نهادهای مالی مقررات‌گذاری نشده، مقررات‌گذاری مشتقات، اعمال مالیات‌های خاص بر سود نهادهای مالی و ممنوعیت معاملات اختصاصی (Proprietary Trading)) را به خوبی نقد کنند. از نظر آن‌ها این اقدامات اصلاحی، اصلاحات جزئی تلقی می‌شوند که نهایتاً وقوع چالش‌ها و مشکلات را به تاخیر می‌اندازند و مشکل بحران زایی سیستم متعارف را رفع نمی‌کنند.

در بررسی کیفیت تحلیل‌های ارائه شده در کتاب اشاره به برخی مباحث ضروری است. مجدداً تأکید می‌شود که نویسندگان به طور کلی، ایده خوبی را مطرح نموده‌اند و برای تبیین آن مسیر درستی را طی کرده‌اند و صرفاً برخی نکات که می‌تواند در راستای ارتقای کتاب مورد استفاده قرار گیرد به شرح زیر است:

- تبیین کارآمدی سیستم بانکداری دو بخشی

یکی از دلالت‌های سیستم مالی مبتنی بر تسهیم ریسک تغییر تعریف و کارکردهای بانک‌های متعارف بیان شده است (شعبانی، ۱۳۹۲). در این سیستم بانک به نهادی با دو کارکرد پذیرش ودیعه و سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود. در واقع این تلقی از بانک، بانک را ماهیتاً از تعریف سنتی خارج کرده و به نهاد دیگری تبدیل می‌کند. از این رو می‌توان ادعا نمود که بانک اسلامی و بانک متعارف دو موسسه کاملاً متفاوت هستند که صرفاً عنوان مشابهی دارند. تأکید نویسندگان بر بانکداری دو لایه در متن کتاب، از نوآوری‌های اصلی پژوهش آن‌ها است؛ البته تلاش آن‌ها برای این که نشان بدهند تمامی نیازها در این سیستم دو بخشی به طور کامل پاسخ داده می‌شود کافی نبوده است و کتاب نتوانسته مزایای این سیستم را به نحو مستدل و روشنی نشان دهد. از سوی دیگر، نویسندگان بر نهاد قرض الحسنه به عنوان یکی از ارکان افزایش دسترسی فقرا با منابع مالی تأکید می‌کنند؛ نهادی که نقش حیاتی آن توسط کشورهای اسلامی به درستی درک نشده است؛ اما مشخص نکرده‌اند که قرض الحسنه در سیستم بانکداری پیشنهادی آن‌ها (بانکداری دو بخشی) چه جایگاهی

دارد و برای اهداف ذکر شده در فصول پایانی کتاب از جمله فقر زدایی چگونه باید پیاده سازی شود.

- ابهامات ایده بانکداری دو بخشی (ذخیره ۱۰۰ درصدی)

از حیث ایده کنار گذاشتن سیستم ذخیره جزئی و ذخیره گیری ۱۰۰ درصدی، طرح پیشنهادی مطرح شده در این کتاب در ادبیات متعارف نیز مسبوق به سابقه است. چنین رویکردی در «برنامه شیکاگو (Chicago Plan)» و طرح «بانکداری با هدف محدود (LPB)» کاتلیکوف (Kotlikoff, 2010) مطرح شده است. البته اقتصاددانان نسبت به ایده ذخیره جزئی و خلق اعتبار نظرات متفاوتی و مجادلات عمیقی دارند. هر چند سیستم ذخیره جزئی زمینه‌ساز بحران‌های اقتصادی و مالی بوده است اما وجود این نقصان به تنهایی به معنای کارایی و کارآمدی نقیض آن (یعنی سیستم ذخیره ۱۰۰ درصدی) نخواهد بود. به بیان دیگر به دلیل این که ابعاد اصلی سیستم ذخیره ۱۰۰ درصدی مورد توجه اقتصاددانان نبوده، توصیه نمودن آن نیازمند بررسی همه جانبه ابعاد آن خواهد بود. به نظر برخی از اقتصاددانان مثل اصلاحی (۲۰۱۳) این امر نیازمند فحص و بررسی بیشتر است. سیستم ذخیره ۱۰۰ درصدی، مسئله نقدینگی مازاد (Excess Liquidity) را تشدید می‌کند. همچنین از آن جا که مردم معمولاً بخش اندکی از سپرده‌های خود را در یک زمان برداشت می‌کنند؛ در صورت اتخاذ سیستم ذخیره صد درصدی بخش عمده‌ای از منابع به صورت بلااستفاده در بانک‌ها باقی خواهد ماند و امکان استفاده از این وجوه حتی برای پاسخ به نیازهای خیلی کوتاه مدت بخش مولد و یا تامین مالی خرد بر مبنای قرض الحسنه نیز وجود ندارد.

- مسئله کارایی سیستم مالی مبتنی بر تسهیم ریسک

از جمله اصلی‌ترین دغدغه‌ها در فضای اقتصاد، کارایی رویکردها، روش‌ها و ابزارها است. از این رو انتظار می‌رود هر رویکرد جدید بتواند کارایی خود را به معنای کامل کلمه و در همه ابعاد نشان دهد. به طور خاص لازم است که نقش تسهیم ریسک در حوزه افزایش کارایی بازارهای سرمایه و انتقال اطلاعات کامل و متقارن بررسی شود. در کتاب با یک رویکردی دقیق به نقش تسهیم ریسک در رفع مسائل اطلاعاتی (تضمین تقارن اطلاعات، رفع مخاطرات اخلاقی و انتخاب معکوس) توجه نشده است و صرفاً ادعا شده که تسهیم ریسک در رفع برخی از مسائل اطلاعاتی اثرات مثبت دارد (عمدتاً با تاکید بر اثرات آموزه‌های اخلاقی اسلام در رفع غرر، ضرر و اضرار). این بحث از یک سو نیاز به

تبیین علمی و دقیق‌تر در قالب تاکید بر کارایی نهادها در حوزه رفع مسائل اطلاعاتی دارد و از سوی دیگر اثرات منفی تسهیم ریسک در ایجاد یا تشدید برخی از این مسائل نیز مورد توجه قرار نگرفته است.

- مسئله بازار ثانویه و سفته بازی

طبق دیدگاه نویسندگان دو نوع بازار سرمایه در نظام اسلامی وجود خواهد داشت: اولی بازار سهام و دیگر اوراق مرتبط با دارایی که بیانگر مالکیت مشترک در یک دارایی یا مجموعه ای از دارایی‌ها است. از نظر ایشان پس از اوراق بهادارسازی دارایی‌ها، مبتنی بر اصول اسلامی، امکان مبادله آن‌ها در بازار اولیه و ثانویه وجود دارد. تفاوت اصلی در اوراق بهادار سازی متعارف و اسلامی (اوراق مرتبط با دارایی) در آن است که در اوراق بهادار سازی متعارف لایه‌های مالکیت متعددی امکان تعریف دارد در حالی که در سیستم اسلامی، الزامات مشخص و اکیدی بر حقوق مالکیت شفاف سرمایه‌گذاران وجود دارد. نویسندگان ادعا می‌کنند که این ویژگی موجب می‌شود که سیستم ثبات بیشتری داشته باشد زیرا در آن یک دارایی پایه به کرات مورد معامله قرار نمی‌گیرد و در نتیجه در شرایط تسویه اوراق، اثر آبشاری (Cascading Effect) به وجود نمی‌آید. با مطرح شدن مسئله وجود بازار ثانویه (با توجه به اینکه از نظر نویسندگان وجود بازار ثانویه برای توسعه بازارهای اولیه ضروری است)، مسئله سفته‌بازی مطرح می‌شود. در حالی که نویسندگان اشاره‌ای به چارچوب کنترل سفته بازی در بازار ثانویه «اوراق در ارتباط با دارایی» نکرده‌اند. سفته‌بازی و افزایش تمایلات سفته‌بازارنه در بازارهای مالی، یکی از عوامل ظهور و بروز بحران‌های مالی تلقی می‌شود و از این رو در صورت عدم کنترل آن، امکان وقوع بحران‌های مالی وجود خواهد داشت. در حالی که نویسندگان اشاره کرده‌اند که در سیستم مالی پیشنهادی آن‌ها امکان وقوع بحران بسیار اندک است اما به مسئله سفته‌بازی پاسخی نداده‌اند.

- تبیین ناکافی برخی موضوعات نهادی

نویسندگان در حوزه تحلیل‌های خود تسهیم ریسک را منحصر به ترتیبات قراردادی نمی‌دانند و به نقش توافقات اجتماعی (Social Arrangement) (به عبارت دیگر نهادهای غیررسمی) نیز می‌پردازند؛ ورود به این سنخ از مباحث نهادی، غنای بحث‌های آن را بیشتر کرده است؛ اما به دلیل محدودیت حجم کتاب و اقتضات کتاب، عمق مباحث ارائه شده در این زمینه محدود بوده است.

از منظر اقتصاد نهادگرایی، یکی از شبهات جدی در حوزه تامین مالی اسلامی، بحث بالا بودن هزینه مبادله است و به عنوان مثال رُوور (Roover, 1963)، مورخی که توسعه مالی در قرون وسطی را بررسی کرده، معتقد است که حرمت ربا منجر به افزایش هزینه مبادله شده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا سیستم تامین مالی مبتنی بر تسهیم ریسک موجب افزایش هزینه مبادله می‌شود؟ پاسخ نویسندگان به این سؤال منفی است. آن‌ها بر این امر تاکید دارند که در سیستم جامع اسلامی، هزینه مبادله کاهش می‌یابد (احتمالاً به خاطر افزایش اعتماد بین طرفین معامله). واکاوی این ادعا و ارائه شواهد برای آن در کنار سایر ترتیبات نهادی در کتاب مغفول مانده است.

علاوه بر این، موسسات مالی در شرایط کنونی به استفاده از ابزارهای مرابحه و اجاره به شرط تملیک روی آورده‌اند (ابزارهایی که ماهیتاً به تامین مالی مبتنی بر بدهی شبیه هستند). علت اصلی این روند پررنگ بودن مسائل اطلاعاتی و عدم تقارن اطلاعات بوده است. نویسندگان به این امر اشاره کرده‌اند که پیشرفت‌ها در تکنولوژی‌های اطلاعاتی می‌تواند این مسائل اطلاعاتی را کاهش داده و منجر به کاهش استفاده از قراردادهای مبتنی بر بدهی شود. به نظر می‌رسد این استدلال کافی نیست و صرف پیشرفت تکنولوژی عامل تغییر دیدگاه‌ها نسبت به قراردادهای مبتنی بر بدهی نخواهد بود.

- تبیین نسبت بین محرک‌های درونی (اخلاق) و محرک‌های بیرونی (نهادها و قواعد انگیزشی)

توجه به محرک‌های درونی (Intrinsic Motivations) در مالی اسلامی و هماهنگی محرک‌های درونی با محرک‌ها و انگیزش‌های بیرونی (Extrinsic Motivations)، جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های نویسندگان دارد. هر سیستم انگیزشی باید ترکیبی از دو نوع محرک درونی و محرک بیرونی را داشته باشد تا بتواند به اهداف خود دست پیدا کند. برای معرفی یک سیستم اقتصادی جدید لازم است نسبت به این دو دسته از محرک‌ها به صورت شفاف تبیین شود. بررسی محتوای کتاب ذهنیت نویسندگان در مورد نسبت این دو دسته از محرک‌ها را مشخص نمی‌سازد. البته به درستی به ضرورت ایجاد هماهنگی بین این دو اشاره داشته‌اند. مالی متعارف، تنها سازوکار محرک رفتار را در نظم بازار (Market Discipline) جستجو می‌کند؛ در حالی که در سیستم مالی اسلامی ارزش‌ها از آموزه‌های اسلام منبعث بوده و انتظار می‌رود که رهبران، مدیران، و سایر ذی نفعان از «قواعد ذکر شده

در شریعت» تبعیت نمایند و از این رو سیستم‌های انگیزش درونی هم فعال است. نویسندگان به درستی به این بحث اشاره کرده‌اند که ضعف و وسوسه‌پذیری بشر ممکن است موجب بروز بسیاری از کوتاهی‌ها و اشتباهات شود و از این رو نهادهای کارا (به طور خاص حاکمیت قانون) از پیش زمینه‌های موفقیت این سیستم است و در همین راستا تاکید جدی بر حکمرانی خوب و حاکمیت شرکتی صورت پذیرفته است.

- امکان پیاده سازی سیستم جامع مالی اسلامی در یک کشور غیر اسلامی

نویسندگان در فصل دهم، در مورد این که چرا کشورهای اسلامی در شاخص اسلامیت (Islamicity Index) وضعیت مناسبی ندارند و چرا برخی کشورهای غربی در این شاخص وزن بسیار بالاتری در مقایسه با کشورهای اسلامی دارند، توضیحات مختصری ارائه کرده اند؛ و البته اذعان دارند که اگر کشوری موفق به پیاده سازی سیستم جامع تسهیم ریسک شود به احتمال زیادی آن کشور یک کشور اسلامی است. چرایی این بحث نیز توضیح داده نشده است. آنها در مقدمه فصل یازدهم کتاب به این نکته اشاره می‌کنند که نسبت به تحقق این سیستم در یک کشور اسلامی چندان خوش بین نیستند زیرا شرایط اخلاقی، سیاسی و اقتصادی در شکل گیری و ارتقای سیستم جامع تسهیم ریسک نقش کلیدی ایفا می‌کنند و این شرایط در برخی کشورهای غیر اسلامی وزن بالاتری دارد (عسکری و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر با توجه به این که تسهیم ریسک پیش از اسلام نیز وجود داشته و مختص احکام اسلامی نیست (همانطور که در فصل سوم به آن اشاره شده است) می‌توان استدلال کرد که برای پیاده سازی چنین سیستمی، الزاما مسلمان بودن کشور ضرورت ندارد. در مجموع مباحث ارائه شده در کتاب در مورد امکان پیاده‌سازی این سیستم تناقض آمیز و فاقد استدلال کافی است.

- اجمال در تئوری اسلامی قیمت گذاری

تحلیل‌های ارائه شده در مورد قیمت گذاری اوراق (در فصل هفتم) صرفا بیانگر ایده‌های اولیه نویسندگان است. از نظر آنها نیاز جدی به یک تئوری اسلامی قیمت گذاری که مبتنی بر تقلید از مدل‌های متعارف نباشد وجود دارد. آنها در فصل هفتم کتاب، ضمن بررسی تئوری‌های قیمت گذاری متعارف این ایده را مطرح می‌کنند که برای تحلیل ارزشگذاری و تحلیل پرتفوی در بازارهای سرمایه اسلامی می‌توان از، نرخ بازده معیار (Benchmark Rate of Return) که نمایانگر بازدهی بخش واقعی اقتصاد بوده و جایگزین

نرخ بهره در سیستم‌های مالی متعارف می‌شود؛ استفاده نمود. تحلیل‌های ذکر شده در این فصل اولاً مسبوق به سابقه و تکراری است و در بسیاری از آثار مربوط به جایگزین‌های نرخ بهره مطرح شده است و ثانیاً اختصار بیش از حد نمی‌تواند مخاطب را اقناع کند که ارائه مدل‌های اسلامی برای قیمت‌های اوراق اسلامی ضروری است؛ شاید بهتر می‌بود نویسندگان در کتاب دیگری به صورت مجزا به این بحث می‌پرداختند.

۴.۷ نقد و تحلیل کارکردهای عملی اثر

هر چند در کتاب یک فصل به ترتیبات نهادی لازم برای تحقق سیستم مالی اسلامی اشاره شده است (فصل دهم)؛ اما انتظار می‌رفت در این فصل به ساختارها و قواعد کلی لازم برای تحقق این ساختار توجه می‌شد؛ در واقع مسئله اصلی در این حوزه آن است که چه ساختارها و ترتیباتی مروج و تشویق‌کننده تسهیم ریسک است و برای پایه‌گذاری یک سیستم مبتنی بر تسهیم ریسک این ساختارها در متن کشورهای اسلامی چگونه باید عینیت پیدا کنند. در بحث حاکمیت شرکتی نیز بحث ارائه شده از کلیات فراتر نرفته و صرفاً ایده آل‌ها بیان شده است؛ در حالی که شکل‌گیری یک سیستم مبتنی بر تسهیم ریسک نیازمند اصول و قواعد مشخصی در حوزه افشای اطلاعات، فرآیندهای اخذ تصمیم در شرایط مختلف، چارچوب‌های حسابداری و حسابرسی، فرایندهای نظارت حین انجام پروژه و... است که تفاوت بنیادینی با ترتیبات نهادی حاکم در سیستم متعارف دارند. تمامی مسائل نهادی موجود در فضای تامین مالی (از جمله مسائل اطلاعات، مسئله توقف (Hold-Up Problem)، مسائل هماهنگی (Coordination Problem) و مجموعه بزرگی از مسائل انگیزشی) می‌بایست در یک سیستم تامین مالی بهینه می‌بایست رفع شود؛ هر چند استدلال‌های قوی در زمینه اثر مثبت تسهیم ریسک بر رفع این مسائل وجود دارد اما برخی از پژوهش‌ها هم بر اثر سیستم اسلامی بر تشدید این مسائل اشاره دارند (برای نمونه رک به کویاما، ۲۰۰۸ و دی روور، ۱۹۶۳) که می‌بایست به آن‌ها پاسخ مقتضی داده شود.

به نظر می‌رسد یکی از نقدهای وارد به کتاب عدم وجود پیشنهادها و عملیاتی جهت پیاده‌سازی سیستم مالی اسلامی پیشنهاد شده در متن کتاب است. هر چند تسهیم ریسک هنوز در گام ابتدایی توسعه در همه کشورها قرار دارد و حرف‌چندانی برای زدن در عرصه بین‌المللی ندارد؛ اما انتظار می‌رفت که در بخش پایانی کتاب (که با عنوان «به سوی آینده»

برای ارائه راهبردهایی برای تحقق سیستم ایده آل اسلامی تدوین شده) نویسندگان یک برنامه عملی برای تحقق سیستم مالی اسلامی ارائه نمایند؛ در حالی که صرفاً به ارائه برخی توضیحات کلی به ویژه در مورد ضرورت احیای فرهنگ و اخلاقیات اسلامی و نیز تبیین برخی مقدمات نهادی پیاده سازی این سیستم پرداخته اند. علاوه بر این در حوزه اقدامات لازم در دوران گذار از سیستم فعلی به سیستم جامع مد نظرشان نیز پیشنهادی ارائه نکرده اند. هر چند انتظار نمی رود که در یک کتاب یک برنامه همه جانبه ارائه شود اما این انتظار وجود دارد که اصول و چارچوب کلی برنامه دوران گذار مطرح شود؛ امری که در کتاب مغفول مانده است.

۵.۷ منابع مورد رجوع

در کتاب ارجاعات متعددی در حوزه‌های مختلف اعم از مالی متعارف، مالی اسلامی و حتی تاریخ تحولات تجاری دنیا داده شده است. بیش از ۴۰۰ رفرنس در کتاب وجود دارد که نشان از قوت ادبیات مورد رجوع نویسندگان دارد. البته ضعف‌هایی در ارجاع به برخی از نقل قول‌های تاریخی وجود دارد. به عنوان مثال نویسندگان بیان می‌کنند که «در اواخر قرن ۱۹، زمانی که بانک بارکلی (Barclays Bank) در قاهره به منظور تجمیع وجوه لازم برای ساخت کانال سوئز تاسیس شد، مخالفت‌ها و انتقادات رسمی در برابر مفهوم «بهره» نیز در مصر آغاز شد.» در حالی که نویسندگان برای این بحث هیچ ارجاعی را ذکر نکرده‌اند و اصلاحی (۲۰۱۳) بیان می‌کند که حفاری کانال سوئز در سال ۱۸۵۹ آغاز شده است و در سال ۱۸۶۹ کامل شده است و اسم شرکتی که مدیریت منابع مالی و کنترل پروژه را بر عهده داشت La Companie Universelle du Canal Maritime de Suez بوده است.

یکی از نکات جالب توجه کتاب، تعدد ارجاعات در دو بخش تاریخچه بحران‌های مالی (فصل اول) و تاریخچه تسهیم ریسک (فصل سوم) است؛ که نشان از تسلط نویسندگان بر ادبیات متعارف و نیز بحث‌های تاریخی تامین مالی دارد.

۸. نتیجه‌گیری

کتاب «تسهیم ریسک در فضای اسلامی» با نگاهی بنیادین، ضمن اتخاذ یک رویکرد انتقادی نسبت به فقهی سازی قراردادهای ربوی به دنبال ارائه یک ایده محوری جهت ساختن یک

سیستم مالی اسلامی است؛ در این راه با اتخاذ مفهوم «تسهیم ریسک» به عنوان اصلی‌ترین مفهوم حاکم بر سیستم اصیل مالی اسلامی - تلاش دارد منافع و مزایای، کاربرد جامع تسهیم ریسک را هم برای سیستم مالی و هم برای سیستم اقتصادی برشمارد. سیستم مالی مبتنی بر تسهیم ریسک با نوسانات کمتری روبرو بوده و شدت و مدت زمان ادوار تجاری را کاهش می‌دهد؛ از سوی دیگر با ارتقای دسترسی مالی به دلیل کاهش ریسک‌های نکول، رفاه کل جامعه را افزایش می‌دهد.

از نظر نویسندگان، تامین مالی اسلامی کنونی بر یک بنیان اسلامی منسجم و با تمرکز بر چارچوب‌های ضروری شکل نگرفته است علاوه بر این وضعیت فعلی سیستم تامین مالی اسلامی، تا حدود زیادی این تصور غلط را ایجاد کرده است که سیستم مالی اسلامی صرفاً به تامین مالی نقدشونده، کم ریسک، کوتاه مدت و شبه بدهی (Debt like) می‌پردازد. این اقدامات سیستم مالی اسلامی را از نظر کارکردها و پیامدها شبیه سیستم متعارف اسلامی کرده است؛ در حالی که در صورت تحقق تامین مالی مبتنی بر تسهیم ریسک شاهد پیامدهای مثبت بیشتر و در عین حال حذف بسیاری از آفات سیستم مالی موجود خواهیم بود. این کتاب، با نگاه عمیق‌تر و بلندمدت‌تر به آثار عملکرد سیستم فعلی می‌پردازد و لذا توانسته نقد خوبی از سیستم غربی ارائه و در ضمن آن طرحی را به عنوان جایگزین مطرح نماید. در مجموع می‌توان نقاط قوت کتاب را به شرح زیر احصا نمود:

- معرفی اصلی‌ترین رکن سیستم تامین مالی اسلامی و نشان دادن جایگاه تسهیم ریسک در این سیستم
- توجه بنیادین به همه ابعاد مسئله تسهیم ریسک، تسری دادن مفهوم تسهیم ریسک در حوزه‌های غیر مالی و استخراج دلالت‌هایی برای یک سیستم اقتصادی اسلامی
- توجه به فاصله بین عمل و اجرا در اقتصاد اسلامی (و به طور خاص مالی اسلامی)
- پرهیز از تقلیل مالی اسلامی به اسلامی‌سازی روابط و ابزارها و داشتن نگاه بنیادین برای ساخت یک نظام اسلامی به معنای واقعی
- توجه به برخی از مباحث فنی مربوط به مالی اسلامی که در عمده مطالعات موجود مغفول واقع شده و یا در چارچوب مالیه متعارف مورد بررسی قرار می‌گیرد (از جمله مدل‌های قیمت گذاری اوراق اسلامی)

البته برخی از مباحث در کتاب به صورت اجمالی ارائه شده است که بسط و گسترش آن‌ها می‌تواند زمینه تکمیل ایده مطروحه در کتاب را فراهم آورد. از این رو حوزه‌های مطالعاتی زیر پیشنهاد می‌شود:

- مطالعه ابعاد نهادی تسهیم ریسک در دو سطح سیستم مالی و سیستم اقتصادی اسلام
- اثبات کارایی سیستم مالی مبتنی بر تسهیم ریسک
- رفع ابهامات ایده بانکداری دو بخشی (به طور خاص در بخش ذخیره ۱۰۰ درصدی)
- تبیین جایگاه بازار ثانویه و سفته‌بازی در سیستم مالی مبتنی بر تسهیم ریسک

کتاب‌نامه

- نظریور، محمدنقی، خزایی، ایوب، رضایی، فاطمه. (۱۳۹۰). «تاثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی». *اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۲)، ۱۴۹-۱۸۰.
- موسویان، سیدعباس، بهاری قراملکی، حسن (۱۳۹۱). *مبانی فقهی بازار پول و سرمایه*، محل نشر: تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نعمتی، محمد، سلیمانی، محمد، (۱۳۹۰). *بحران مالی سال ۲۰۰۸*، محل نشر: تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- عیوضلو، حسین، کریمی ریزی، مجید. (۱۳۹۷). «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام». *اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۱)، ۳۵-۵.
- شعبانی، احمد، (۱۳۹۲). *بانکداری اسلامی: رویکردی اقتصادی و فقهی*، محل نشر: تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- Askari, H., Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2010). *Globalization and Islamic finance: convergence, prospects and challenges* (Vol. 778), John Wiley & Sons.
- Askari, H., Iqbal, Z., Krichene, N., & Mirakhor, A. (2012). *Risk sharing in finance: The Islamic finance alternative*. John Wiley.
- Brouwer, M. (2005). "Managing uncertainty through profit sharing contracts from Medieval Italy to Silicon Valley". *Journal of Management & Governance*, 9(3), 237-255.
- Exenberger, A. (2004). "The cradle of globalization: Venice's and Portugal's contribution to a world becoming global". Working Papers in Economics No. 2004/o2.

- Gorton, G. B. (2010). "Questions and answers about the financial crisis" (No. w15787). National Bureau of Economic Research, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=155729>.
- Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2011). *An introduction to Islamic finance: Theory and practice* (Vol. 687). John Wiley & Sons.
- Islahi, A. A. (2013). "Book Review: Risk-sharing in Finance: The Islamic Finance Alternative. Hossein Askari. Zamir Iqbal. Nouredine Krichene. and Abbas Mirakhor", (No. 128). King Abdulaziz University, Islamic Economics Institute.
- Kahf, M. (2011). "Remedies of the Financial Crisis: Evaluation from Islamic Finance Perspectives". *Journal of Islamic Business and Management*, 1(1).
- Khan, M. F. (2008). *World financial crisis: Lesson form Islamic economics*. International Financial Crisis, 20.
- Khan, T., & Ahmed, H. (2001). "Risk management: an analysis of issues in Islamic financial industry" (occasional papers) (No. 91). The Islamic Research and Teaching Institute (IRTI)
- Kotlikoff, L. J. (2010). *Jimmy Stewart is dead: Ending the world's ongoing financial plague with limited purpose banking*. John Wiley & Sons.
- Koyama, M. (2008). *Evading the'taint of Usury': Complex Contracts and Segmented Capital Markets* (No. 412). University of Oxford, Department of Economics.
- Krugman, P. (2008). *The Return of Depression Economics and the Crisis of 2008*, New York: W. W. Norton .
- Laiou, A. E. (2002). *The Levant Trade in the Middle Ages, The economic history of Byzantium: from the seventh through the fifteenth century* (Vol. 39). Dumbarton Oaks Research Library and Collection.
- Levine, R. (2005). *Finance and growth: theory and evidence. Handbook of economic growth*, Amsterdam: North-Holland Elsevier Publishers.
- Mirakhor, A., Ng, A., & Ibrahim, M. H. (2015). *Social capital and risk sharing: An Islamic finance paradigm*. Springer.
- Mirakhor, Abbas, (1983), *Muslim Contribution to Economics*, in Baqir Al-Hassani and Abbas Mirakhor, *Essays on Iqtisad: The Islamic Approach to Economic Problems* (New York: Global Scholarly Publications).
- Iqbal, Z., Maghrebi, N., Mirakhor, A. (2016). *Intermediate Islamic Finance*. Singapore: Wiley.
- Mirakhor, Abbas, (2002), "Hopes for the Future of Islamic Finance", *New Horizon*, 121 (July-August): 5-8.
- Palley, T. I. (2013). *Financialization: what it is and why it matters*. In *Financialization* (pp. 17-40). Palgrave Macmillan, London.
- Roover, R. D. (1963). *The Rise and Decline of the Medici Bank, 1397-1494*. Harvard University Press.

- Shan, J. Z., Morris, A. G., & Sun, F. (2001). "Financial development and economic growth: an egg-and-chicken problem?". *Review of international Economics*, 9(3), 443-454.
- Stiglitz, J. E. (2008) "Testimony on The Future of Financial Services Regulation", House Financial Services Committee, October 21, 2008. Available at: http://www.house.gov/apps/list/hearing/financialsvcs_dem/stiglitz102108.pdf.
- Tariq, A. A. (2004). *Managing financial risks of sukuk structures*. Loughborough University, UK, September (mimeo).
- Udovitch, A. L. (2011). *Partnership and profit in medieval Islam*. Princeton University Press.